

## حلقه هژمونیک عدالت‌محور: تحلیل راهبردی پیروزی زهران ممدانی در نیویورک (۲۰۲۵)

علی اصغر عبدشاهی \*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۱۷  
مقاله برای اصلاح به مدت ۱ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

### چکیده

ادبیات سیاست شهری نشان می‌دهد که ائتلاف‌های نخبگانی مبتنی بر سرمایه مالی - رسانه‌ای، عامل اصلی توزیع قدرت در کلان‌شهرهای سرمایه‌داری هستند. با این حال، پیروزی زهران ممدانی در انتخابات شهرداری نیویورک (۲۰۲۵) با بودجه ۱۲/۹۵ میلیون دلار در برابر بیش از ۵۰ میلیون دلار رقبا، این الگو را به چالش کشید. این پژوهش با هدف تبیین عوامل موفقیت او، مدل «حلقه هژمونیک عدالت‌محور» را به‌عنوان الگوی راهبردی ضدهژمونیک در بستر جنگ ترکیبی ارائه می‌کند. پژوهش با رویکرد کیفی و تحلیل گفتمان انتقادی لاکلاو و موفه (۲۰۰۱) انجام شد. داده‌ها از سخنرانی‌ها، محتوای دیجیتال، اسناد رسمی و متون منتقدان گردآوری و با روش اشباع نظری و تثلیث داده‌ها اعتبارسنجی شدند. یافته‌ها نشان داد موفقیت ممدانی بر پایه مفصل‌بندی سه‌گانه عدالت بازتوزیعی، هویت مقاومتی الهام‌گرفته از الهیات سیاسی شیعه و بسیج دیجیتال شکل گرفته و منجر به ایجاد ضدهژمونی در برابر ائتلاف مالی - رسانه‌ای شد. این نتایج نشان می‌دهد که منابع ناملموس، در صورت معنای‌پردازی راهبردی، می‌توانند جایگزین منابع مادی در کسب قدرت شوند. مدل ارائه‌شده، چارچوبی قابل استفاده برای مدیریت راهبردی عدالت‌محور و تحلیل جنبش‌های فراملی در شرایط جنگ ترکیبی فراهم می‌کند.

### واژگان کلیدی

برند کارفرمایی؛ هوش مصنوعی؛ منابع انسانی دیجیتال؛ صنعت برق؛ تجربه کارکنان مدیریت راهبردی؛ هژمونی؛ گفتمان انتقادی؛ عدالت حسینی؛ سیاست شهری؛ جنگ ترکیبی.

---

\* دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
abdeshahi.aa@fh.lu.ac.ir

## مقدمه

پیروزی زهران ممدانی<sup>۱</sup> و رسیدن به مقام شهردار نیویورک<sup>۲</sup> در ۵ نوامبر ۲۰۲۵، به عنوان یک پدیده انتخاباتی و اجتماعی، فرصتی برای بررسی تحول الگوهای تولید و بازتولید قدرت در کلان‌شهرهای سرمایه‌داری پیشرفته فراهم می‌کند (Izaguirre & Colvin, 2025; Sunkara, 2025). به جای داوری هنجاری، این مطالعه قصد دارد حرکت از سؤال پژوهشی به فهم تحلیلی گفتمان را نشان دهد. ممدانی، نماینده نسل جدید کنشگران سیاسی، با اتکا به هویت متقاطع خود یعنی مسلمان شیعه، فرزند مهاجر و حامل گفتمان عدالت‌محور، توانست مرزهای سنتی سیاست‌ورزی شهری را بازتعریف کند و الگوهای مشارکت و بسیج اجتماعی را بازخوانی نماید (Maloy, Krinsky, 2011, pp. 381-401; Gin, 2021, pp. 270-281; Cagé, 2024, pp. 283-289). این بازتعریف، نه به مثابه داوری هنجاری، بلکه به عنوان توصیف یک جابه‌جایی موقت در مفصل‌بندی قدرت فهم می‌شود. این پیروزی نشان‌دهنده فروپاشی نسبی سلطه نخبگان سالار سنتی و ظهور گفتمان‌های بدیل است که بر نابرابری‌ستیزی، عدالت اقتصادی و بسیج اجتماعی متمرکز هستند (Gin, 2021, pp. 270-281; Cagé, 2024, pp. 283-289).

نیویورک، مرکز ثقل نظام مالی بین‌الملل و بزرگ‌ترین گره شبکه فرماندهی سرمایه جهانی، بیش از هفت دهه تحت سلطه رژیم شهری مبتنی بر ائتلاف وال‌استریت<sup>۳</sup>، هیأت املاک<sup>۴</sup> و رسانه‌های جریان اصلی بوده است (Logan, Krinsky, 2011, pp. 381-401; Stone, 1989, pp. 10-25; Molotch, 1987, pp. 50-98). نظریه‌های کلاسیک رژیم شهری و ماشین رشد، پیش‌بینی می‌کردند که چالش‌گری بدون دسترسی به منابع مالی نخبگان، شانس کمی برای موفقیت دارد. با این حال، موفقیت ممدانی با اتکا به بودجه‌ای نزدیک به سقف مجاز کمپین، حدود ۱۲/۹۵ میلیون دلار (شامل ۳/۹۹ میلیون دلار کمک‌های خرد مردمی از بیش از ۵۴ هزار حامی و برآورد حدود ۷ تا ۸ میلیون دلار یارانه تطبیقی شهری)، در برابر بلوک رقیبی که از حمایت شبکه‌های مالی میلیاردی و بیش از ۵۰ میلیون دلار بودجه انتخاباتی در قالب کمیته‌های مستقل و گروه‌های پشتیبان برخوردار بود (هیأت مالی انتخابات شهر نیویورک<sup>۵</sup>؛ الف؛ ۲۰۲۵؛ ب)، نشان داد که امکان بسیج اجتماعی و مدیریت منابع محدود نیز می‌تواند مسیر جدیدی در سیاست شهری باز کند.

این پژوهش، با اتکا بر چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی لاکلائو و موفه<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) و ترکیب آن با الهیات سیاسی شیعه، برای نخستین بار «مدل حلقه هژمونیک عدالت محور» را به عنوان چارچوب تحلیلی معرفی می کند. هدف این مدل، تبیین چگونگی تثبیت موقت معنا در گفتمان و نه داوری هنجاری آن است. این چارچوب، تبیین چگونگی تثبیت موقت معنا و نه ارزیابی هنجاری آن است. این مدل توضیح می دهد چگونه یک کنشگر با هویت مذهبی - مهاجرتی حاشیه ای توانسته سه دال راهبردی را هم زمان مفصل بندی کند: (۱) عدالت بازتوزیعی اقتصادی، (۲) عدالت حسینی به عنوان دال شناور هویتی، و (۳) مقاومت دیجیتال؛ به گونه ای که در برابر عملیات روانی، برجسب زنی امنیتی و جنگ رسانه ای جریان راست افراطی (به ویژه دونالد ترامپ)<sup>۷</sup> مقاومت کرده و بلوک اجتماعی جدیدی شکل گیرد (Dyck, Pearson-Merkowitz & Coates, 2018, pp. 351-357; Friedman, 2018).

اهمیت این مطالعه در سه سطح قابل تبیین است: اول، سطح راهبردی - حکمرانی: بررسی محدودیت ها و چالش های الگوهای سنتی اداره کلان شهرها و چگونگی ظهور گفتمان های بدیل بسیج گر. دوم، سطح فرهنگی - هویتی: تحلیل فرایند تبدیل یک موقعیت هویتی حاشیه ای به سرمایه سیاسی و نقش آن در بسیج اجتماعی. سوم، سطح نظری - کاربردی: استخراج یک الگوی تحلیلی عدالت محور با قابلیت تعمیم تحلیلی به دیگر گفتمان های عدالت خواهانه و بهره برداری از سرمایه نمادین مذهبی (Sunkara, 2019). مسأله محوری پژوهش این است که: چگونه یک کنشگر با چنین ترکیب هویتی و تکیه بر گفتمان عدالت خواهی، توانست در برابر هژمونی دیرپای نخبگان سیاسی - اقتصادی نیویورک واکنش نشان دهد و سرمایه نمادین و بسیج اجتماعی پیرامون خود ایجاد کند.

پرسش های پژوهش عبارت اند از: (۱) دال های محوری گفتمان ممدانی چگونه در تقاطع حوزه های اقتصادی، هویتی و رسانه ای مفصل بندی شدند تا یک جبهه واحد ضدهژمونیک شکل گیرد؟ (۲) چگونه راهبرد تروریسم گفتاری دشمن و عملیات روانی معکوس در منطق گفتمانی به عامل انسجام بخش بلوک تاریخی جدید تبدیل شد؟ (۳) آیا

مدل حلقه هژمونیک عدالت محور قابلیت استقرار در ساختارهای مدیریت راهبردی جمهوری اسلامی ایران را در شرایط جنگ ترکیبی داراست؟ فرضیه محوری این است که موفقیت ممدانی ناشی از استقرار یک سیستم مدیریت راهبردی سه لایه بود که عدالت حسینی را به عنوان هسته مرکزی دال شناور قرار داد و توانست هژمونی وال استریت را در مرکز ثقل آن به چالش بکشد. این فرضیه ناظر به سطح تحلیلی - گفتمانی است و ادعای تعمیم نهادی یا رفتاری ندارد.

#### ۱. پیشینه پژوهش

رسیدن زهران ممدانی به مقام شهردار نیویورک در ۵ نوامبر ۲۰۲۵، فراتر از یک پیروزی انتخاباتی محلی، در ادبیات سیاست شهری به مثابه یک شوک تحلیلی برای رژیم شهری وال استریت تلقی شده است. این رخداد پرسش‌هایی تازه درباره توانایی کنشگران نوین در بازتعریف قدرت شهری، بسیج اجتماعی و ایجاد گفتمان عدالت محور بدون اتکا به منابع مالی نخبگان مطرح کرده است (Izaguirre & Colvin, 2025; Sunkara, 2025). ممدانی، نماینده نسل جدید کنشگران سیاسی، مرزهای سنتی سیاست‌ورزی را پشت سر گذاشت و با اتکا به هویت چندوجهی، رسانه‌های نوین و سیاست‌های عدالت محور، خود را از چارچوب‌های کلاسیک احزاب و نهادهای قدرت مستقل ساخت (Krinsky, 2011, pp. 381-401; Maloy, 2023). با این حال، تبیین نظری این فرایند همچنان محل مناقشه است.

نیویورک بیش از هفت دهه تحت سلطه یک رژیم شهری سه گانه بوده است: (۱) وال استریت به عنوان مرکز تصمیم‌گیری مالی (Rauf, 2025)، (۲) هیأت املاک نیویورک به عنوان بازوی کنترل منابع شهری (Gilbukh & Goldsmith-Pinkham, 2024, pp. 3431-3489)، (۳) رسانه‌های جریان اصلی به عنوان انحصارگر تولید گفتمان و شکل‌دهی افکار عمومی (Media, Smart & Citizens, 2025). نظریه‌های «رژیم شهری» و «ماشین رشد» (Logan & Molotch, 1987, pp. 50-98; Stone, 1989, pp. 10-25) ائتلاف سرمایه، رسانه و قدرت نهادی را بلوکی پایدار و کم‌نفوذ می‌دانند. بر اساس این چارچوب‌ها، شکست چنین بلوکی بدون دسترسی به منابع مالی مسلط، از نظر نظری بعید تلقی می‌شود. اما پیروزی ممدانی با بودجه ۱۲/۹۵ میلیون دلار (۳۱ درصد کمک‌های خرد

مردمی) در برابر شبکه‌ای با بیش از ۵۰ میلیون دلار پشتوانه مالی، این پیش‌بینی نظری را با یک ناهنجاری تجربی مواجه ساخت. این تجربه، به‌جای اثبات قطعی فروپاشی رژیم شهری، پرسش از شرایط امکان شکل‌گیری یک «بلوک اجتماعی جدید» را برجسته می‌کند؛ بلوکی متکی بر بسیج رأی‌دهندگان جوان، سازماندهی شبکه‌ای و سرمایه اجتماعی، که توانست قواعد سنتی قدرت شهری را موقتاً بازآرایی کند. این تحلیل نشان می‌دهد که مطالعه صرفاً توصیفی ناکافی است و نیازمند چارچوب تحلیلی برای فهم گسست‌های انتخاباتی و مفصل‌بندی سه‌لایه گفتمانی است.

تحلیل پیروزی ممدانی را می‌توان در سه حوزه اصلی مورد بررسی قرار داد که هر یک بخش‌هایی از پدیده را توضیح می‌دهند، اما هیچ‌کدام به‌تنهایی کفایت تحلیلی ندارند. نخست، مطالعات سنتی سیاست شهری بر نظریه نخبگان‌سالاری تأکید دارند که نقش تعیین‌کننده کنشگران اقتصادی، نهادهای مالی و شبکه‌های رسانه‌ای تثبیت‌شده را برجسته می‌کند (Maloy, 2023). بر اساس این رویکرد، نامزدهای چپ رادیکال فاقد ظرفیت نهادی و گفتمانی برای پیروزی هستند (Gin, 2021, pp. 270-281). با این حال، این رویکرد در توضیح موارد استثنایی و گسست‌های انتخاباتی اخیر با محدودیت مواجه شده است. فرسایش نسبی این الگوها و ظهور گفتمان‌های بدیل مبتنی بر عدالت اقتصادی و کاهش نابرابری، زمینه را برای موفقیت کنشگران نوین فراهم کرده است (Cagé, 2024, pp. 283-289; Sunkara, 2019). کمپین‌های موفق مانند برنی سندرز و الکساندریا اوکاسیو - کورتز نشان دادند که امکان بسیج یک بلوک اجتماعی حول محور عدالت اقتصادی و هویت چندوجهی وجود دارد (Dyck, Pearson-Merkowitz & Coates, 2018, pp. 351-357; Friedman, 2018). با این وجود، این مطالعات کمتر به منطق مفصل‌بندی گفتمانی این بسیج‌ها پرداخته‌اند. اضافه کردن این لایه تحلیلی، مسیر حرکت از داده به فهم را شفاف‌تر کرده و امکان تبیین مدل حلقه هژمونیک عدالت محور را فراهم می‌آورد.

جدول (۱): شوک‌های ساختاری کلیدی و پیامدهای سیاسی آنها در سیاست شهری

پیامد سیاسی	شوک ساختاری	نویسنده / نویسندگان
زمینه عینی پذیرش گفتمان عدالت بازتوزیعی	تعمیق نابرابری اقتصادی	Cagé (2024)
ظهور نامزدهای برهم‌زننده ساختار	بحران نمایندگی احزاب رسمی	Dyck, Pearson-Merkowitz & Coates (2018)
شکستن انحصار گفتمان‌سازی نخبگان	انفجار رسانه‌های دیجیتال	Friedman (2018)

منبع: یافته‌های تحقیق

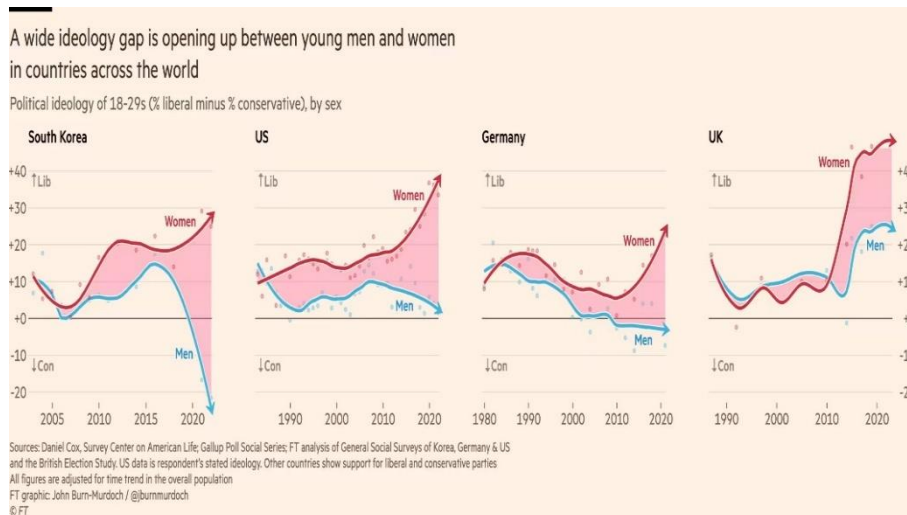
دوم، دیدگاه مبتنی بر منابع در مدیریت راهبردی تأکید دارد که مزیت رقابتی پایدار عمدتاً از طریق منابع ناملموس سازمانی حاصل می‌شود؛ منابعی که ارزشمند، کمیاب، دارای قابلیت تقلید پایین و غیرقابل جایگزینی‌اند (Liu, Kim & Yoo, 2019, p. 52). در این چارچوب، مدیریت هوشمند شبکه‌های اجتماعی، تولید محتوای چندرسانه‌ای و بسیج داوطلبان به‌عنوان مصادیقی از منابع ناملموس عمل کردند و عبور از فیلترهای گفتمانی نخبگان و ایجاد بلوک اجتماعی جدید را تسهیل کرده‌اند (Friedman, 2018). کمپین‌ممدانی با شبکه‌های داوطلبی غیرمتمرکز و سلول‌های محلی فرماندهی اجتماعی توانست در عمل بخشی از موانع ساختاری و انحصار رسانه‌ای وال‌استریت را خنثی کند. این راهبرد چند محور داشت؛ (۱) محتوای هویتی - ارزشی با تمرکز بر عدالت اقتصادی و حسینی‌گرایی که در سطح بسیج عاطفی و هویتی عمل می‌کرد؛ (۲) گفتمان چندرسانه‌ای از طریق توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب برای گسترش سریع پیام؛ (۳) بهره‌گیری از داوطلبان خرد در تولید محتوای محلی و اطلاع‌رسانی شبکه‌ای که هزینه‌ها را کاهش و حس مالکیت اجتماعی را تقویت کرد؛ (۴) رهیافت اقیانوس آبی رسانه‌ای که با تمرکز بر محتوای ارزش‌محور، فضای ارتباطی متفاوتی ایجاد کرد (Pilkington, 2025; Ise Media, 2025). این تحلیل نشان می‌دهد که منابع ناملموس نه تنها ابزارهای جانبی، بلکه هسته استراتژیک تحول گفتمانی هستند و مطالعه فعلی به شناسایی این سازوکارها می‌پردازد.

سوم، هویت زهران ممدانی نمونه‌ای از تلفیق چندلایه هویتی است (Gin, 2021, pp. 270-281)؛ (۱) هویت مذهبی - عدالت‌محور با الهام از عدالت حسینی به‌عنوان دال شناور

مقاومت در برابر سلطه، که در چارچوب الهیات سیاسی شیعه، مبنای مشروعیت اخلاقی و کنش سیاسی است (Kadivar, 2023, pp. 3-38؛ ۲) هویت مهاجرتی و طبقاتی که تجربه زیسته حاشیه‌نشینی را به منبع اصالت گفتمانی بدل کرد؛ ۳) هویت اقتصادی - سوسیال‌دموکراتیک<sup>۸</sup> که عدالت اقتصادی و بازتوزیع منابع را محور پیام سیاسی قرار داد. ادغام این سه لایه، همراه با راهبرد رسانه‌ای و شبکه‌های داوطلبانه، نشان‌دهنده نحوه مفصل‌بندی چندلایه گفتمانی است که در پژوهش حاضر تحلیل و مدل‌سازی شده است. ادغام این سه لایه، همراه با راهبرد رسانه‌ای و شبکه‌های داوطلبانه، به تولید سرمایه نمادین و قدرت نرم در سطح گفتمانی منجر شد. ممدانی با بازتعریف عدالت حسینی به‌عنوان سرمایه نمادین دین‌محور، توانست پیام خود را همزمان واجد مشروعیت اخلاقی، هویتی و اقتصادی سازد و از این رهگذر، اعتماد اجتماعی، مشارکت داوطلبانه و تمایز گفتمانی با نخبگان سنتی را تقویت کند (Mamdani, 2025; Jarrah, Musmar & Al-Quran, 2025). این تلفیق، در تحلیل‌های موجود به‌عنوان یکی از سازوکارهای بازآرایی هژمونیک محلی و شکل‌گیری بلوک اجتماعی جدید تفسیر شده و نشان می‌دهد که هویت چندوجهی و عدالت‌محوری مذهبی می‌تواند در شرایط خاص به ابزار راهبردی در رقابت‌های سیاسی پیچیده بدل شود.

مطابق تحلیل داده‌های نظرسنجی‌های جهانی (Burn-Murdoch, 2023)، در بسیاری از کشورهای پیشرفته شکاف ایدئولوژیک عمیقی میان زنان و مردان نسل جدید (۱۸-۲۹ سال) شکل گرفته است. زنان (قرمز) به سمت گفتمان‌های عدالت‌محور و لیبرال حرکت کرده‌اند، در حالی که بخش قابل توجهی از مردان (آبی) به سوی محافظه‌کاری میل پیدا کرده‌اند (شکل شماره (۱)).

### شکل (۱): شکاف ایدئولوژیک جنسیتی - نسلی میان زنان و مردان جوان (۱۸-۲۹ سال) در کشورهای منتخب



منبع: (Burn-Murdoch, 2023)

این شکاف ایدئولوژیک، به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای ظرفیت بسیج سیاسی مبتنی بر هویت و عدالت را افزایش داده و زمینه را برای ظهور کنشگرانی با گفتمان‌های چندوجهی و عدالت‌خواهانه نظیر زهران ممدانی فراهم کرده است.

#### ۱-۱. خلأ پژوهشی

با وجود پیشرفت‌های اخیر، پژوهش‌های موجود با محدودیت‌های مفهومی و تحلیلی مشخصی مواجه‌اند:

- نقش هویت مذهبی - مهاجرتی در بازآرایی قدرت شهری اغلب به‌صورت توصیفی و نه تحلیلی بررسی شده است.
- تعامل هم‌زمان گفتمان اقتصادی، هویتی و رسانه‌ای در قالب یک منطق مفصل‌بندی واحد کمتر مورد توجه قرار گرفته است.
- مدل‌های کلاسیک نخبگان‌محور و حتی رویکردهای مبتنی بر منابع، فاقد ابزار مفهومی لازم برای تحلیل گسست‌های گفتمانی چندلایه‌اند.

از این رو، خلأ اصلی نه در فقدان داده تجربی، بلکه در نبود یک چارچوب تحلیلی یکپارچه برای تبیین این پدیده نهفته است. مطالعه حاضر با ارائه مدل حلقه هژمونیک عدالت‌محور، تلاش می‌کند این خلأ را پر کند و مسیر حرکت از داده به فهم را به شکل نظام‌مند ارائه دهد؛ به گونه‌ای که تحلیل هر لایه هویتی، اقتصادی و رسانه‌ای به وضوح در چارچوب پرسش‌ها و فرضیه پژوهش جای می‌گیرد.

## ۲. مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی پژوهش نشان می‌دهد که صعود ممدانی می‌تواند با مفصل‌بندی سه دال مرکزی و تعامل شبکه‌ای آنها توضیح داده شود؛ دال‌هایی که در تحلیل‌های گفتمانی به‌عنوان عوامل بسیج، مشروعیت‌بخشی و تولید ضدچیرگی شناسایی شده‌اند. این مدل، برای نخستین بار توانایی تلفیق تحلیل اقتصادی، هویتی و عملیاتی را در یک چارچوب واحد فراهم می‌آورد و امکان تحلیل گفتمانی ضدچیرگی در شرایط پیچیده شهری و رسانه‌ای را به پژوهشگران ارائه می‌دهد.

- دال اقتصادی: عدالت بازتوزیعی از طریق سیاست‌هایی نظیر مسکن اجتماعی، کنترل اجاره و مالیات بر ثروت، مطالبات معیشتی را به دال کلان «عدالت برای همه» ارتقاء داده و در تحلیل‌ها به‌عنوان منبع ایجاد پایگاه اجتماعی متکثر معرفی شده است (Madad, 2025; Cagé, 2024, pp. 283-289). این دال، پایه‌ای برای همگرایی و مشروعیت بخشی به دیگر مؤلفه‌ها فراهم می‌آورد.

- دال هویتی: هویت شیعه - مهاجر در مطالعات موردی به‌عنوان دالی با ظرفیت فراگیر شناخته شده است؛ بازخوانی نمادهای مقاومتی مانند کربلا، دال «هر مظلومی حسینی است» را تقویت کرده و ظرفیت همبستگی فرامذهبی و فراملی را افزایش داده است (Hasan, 2025; Kadivar, 2023, pp. 3-38). این دال نقش تولید سرمایه نمادین و مشروعیت اخلاقی را بر عهده دارد.

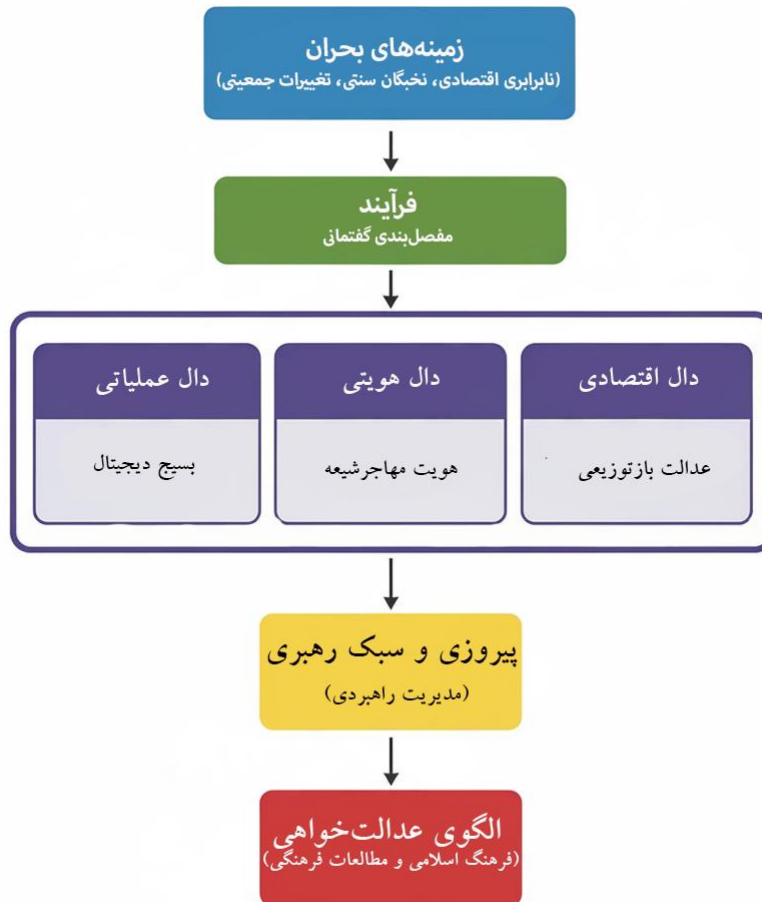
- دال عملیاتی (رسانه و بسیج دیجیتال): رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های مردمی، در پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که می‌توانند ساختارهای سنتی قدرت را دور زده و سازمان‌دهی غیرمتمرکز را به موتور تحرک سیاسی تبدیل کنند؛ مرزبندی هویتی با نخبگان نیز به انسجام گفتمانی کمک کرده است (Friedman, Ise Media, 2025).

(2018). این دال سرعت و گستره نفوذ پیام‌ها را تضمین می‌کند و بازتولید گفتمان را در سطح شبکه‌ای ممکن می‌سازد.

تعامل سه دال: این سه دال نه به صورت مجزا، بلکه در تعامل بازخوردی و شبکه‌ای عمل می‌کنند. دال اقتصادی مطالبات ملموس را به گفتمان عدالت کلان وصل می‌کند، دال هویتی همبستگی و مشروعیت اخلاقی فراهم می‌آورد و دال عملیاتی، انتشار سریع پیام و بسیج شبکه‌ای را تضمین می‌کند. این تعامل، موانع مالی و نهادی سنتی را خنثی کرده و امکان شکل‌گیری یک بلوک اجتماعی جدید را فراهم می‌آورد، که در آن سرمایه اجتماعی و نمادین به عنوان جایگزینی برای سرمایه مالی عمل می‌کنند.

این روند، در بستر بحران نابرابری، بی‌اعتمادی به نخبگان و دگرگونی جمعیتی، می‌تواند به دو پیامد تحلیل‌شده منتهی شود؛ (۱) پیروزی انتخاباتی و تثبیت رهبری راهبردی، (۲) شکل‌گیری الگوی فرهنگی عدالت‌محور با اتکا به مقاومت اخلاقی و بسیج شبکه‌ای (Kadivar, 2023, pp. 3-38). شکل شماره (۲) نیز، بر اساس داده‌های پژوهش و تحلیل گفتمانی، ارتباط سه نشانه اقتصادی، هویتی و رسانه‌ای را در تولید یک ضدچیرگی جدید در سپهر سیاسی نیویورک نشان می‌دهد و مسیر تحلیل از پرسش به فهم را بازنمایی می‌کند.

شکل (۱): مدل مفهومی سه‌دالی صعود گفتمان عدالت محور ممدانی



منبع: یافته‌های تحقیق

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با بهره‌گیری از تحلیل گفتمان انتقادی انجام شده است؛ رویکردی که فراتر از توصیف رفتارها، به واکاوی رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی می‌پردازد و چگونگی شکل‌گیری، تثبیت و چالش هژمونی را بررسی می‌کند (Laclau, )

Fairclough, 2010, pp. 2-20; & Mouffe, 2001, pp. 93-148). هدف پژوهش، نه صرفاً توصیف صعود ممدانی، بلکه تحلیل فرایند مبارزه هژمونیک و معنایی در ساختار قدرت شهری است. چارچوب نظری پژوهش مبتنی بر مدل هژمونی لاکلائو و موفه (۲۰۰۱) است که سه مؤلفه کلیدی آن در تحلیل به کار گرفته شد.

- مفصل‌بندی: تبیین پیوند میان عناصر ناهمگون مانند عدالت اقتصادی، هویت شیعی و مقاومت رسانه‌ای در گفتمان ممدانی، به‌عنوان مسیرهای مفهومی تحلیل شده؛
  - دیگری‌سازی: بررسی نحوه تعریف رقیبان اصلی (وال‌استریت، ترامپ) و مرزبندی گفتمانی با نظم مسلط، به‌صورت تحلیلی و مبتنی بر نشانه‌ها؛
  - جایگزینی چیرگی: تحلیل شکل‌گیری گفتمان ضد هژمونیک و نمایندگی جامعه بر اساس شواهد تجربی.
- در جدول شماره (۲)، به‌طور خلاصه ویژگی‌های کلیدی و مهم روش‌شناسی پژوهش را مشاهده می‌کنید.

#### جدول (۲): ویژگی‌های کلیدی روش‌شناسی پژوهش

مشخصه	توضیح
رویکرد	کیفی
چارچوب تحلیلی	تحلیل گفتمان انتقادی
ابزار نظری	مدل چیرگی (هژمونی) لاکلائو و موفه
واحد تحلیل	گفتمان سیاسی ممدانی و رقبا

منبع: یافته‌های تحقیق

جامعه پژوهش شامل کلیه متون و منابع مرتبط با کمپین ممدانی است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و بر مبنای اشباع نظری انجام شد. منابع در چهار دسته مورد تحلیل قرار گرفتند. در جدول شماره (۳)، خلاصه جامعه آماری و ابعاد گفتمانی مورد بررسی آمده است.

#### جدول (۳): جامعه آماری و ابعاد گفتمانی مورد بررسی در پژوهش

نوع منبع	دوره زمانی	ابعاد گفتمانی مورد بررسی
سخنرانی‌های اصلی	اکتبر ۲۰۲۴ تا نوامبر ۲۰۲۵	شناسایی نشانه‌های مرکزی، عدالت اقتصادی و اصالت رهبری

نوع منبع	دوره زمانی	ابعاد گفتمانی مورد بررسی
محتوای رسانه‌های اجتماعی	اکتبر ۲۰۲۴ تا نوامبر ۲۰۲۵	تحلیل راهبردهای رسانه دیجیتال، لحن و دیگری سازی
برنامه‌ها و بیانیه‌های رسمی	اکتبر ۲۰۲۴ تا نوامبر ۲۰۲۵	تحلیل مفصل‌بندی هویت و اقتصاد و پیوند با راهبرد مدیریت
متون رقیب و منتقد	اکتبر ۲۰۲۴ تا نوامبر ۲۰۲۵	تحلیل نحوه غیریت‌سازی و واکنش راهبردی ممدانی

منبع: یافته‌های تحقیق

مراحل تحلیل داده‌ها شامل سه گام بود:

- استخراج نشانه‌ها: شناسایی واژگان کلیدی، استعاره‌ها، و نمادهای هویتی - اقتصادی؛
  - تفسیر گفتمانی: تحلیل مفصل‌بندی سه‌گانه عدالت اقتصادی - هویت شیعی - رسانه دیجیتال و فرآیند دیگری سازی، با استناد به شواهد و داده‌های خام؛
  - تبیین مدل راهبردی: ارتقای یافته‌ها به سطح الگوی مدیریتی و تفسیر چرایی موفقیت ممدانی در ایجاد ضدچیرگی.
- برای اطمینان از اعتبار کیفی یافته‌ها از سه معیار استفاده شد:
- اعتمادپذیری: تثلیث داده‌ها از طریق سخنرانی‌ها، شبکه‌های اجتماعی و اسناد رسمی؛
  - انتقال‌پذیری: توصیف زمینه‌ای و امکان مقایسه با تجربیات مشابه؛
  - تأییدپذیری: استناد به داده‌های قابل ردیابی و پرهیز از تفسیرهای ذهنی.
- همچنین تحلیل محتوا با نظارت ۲ متخصص حوزه مدیریت راهبردی و مطالعات سیاسی با توافق ۹۱ درصد صورت گرفت. محدودیت‌های پژوهش شامل موارد زیر بود.
- نتایج قابلیت تعمیم آماری ندارند و ماهیت آنها تحلیلی است؛
  - بخشی از دلالت‌های فرهنگی در ترجمه ممکن است کاهش یافته باشد؛
  - امکان دسترسی به لایه‌های پنهان قدرت وجود نداشت؛
  - تحلیل بر مرحله صعود گفتمان تمرکز داشته و پایداری حکمرانی را شامل نمی‌شود.

افزون بر این، به منظور شفاف‌سازی فرایند تحلیلی و نشان دادن مسیر تبدیل داده خام به مدل نهایی، نمونه‌ای از کدگذاری یک پست شبکه اجتماعی ارائه شد:

• واحد تحلیل انتخابی: پست شبکه اجتماعی ممدانی مورخ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵: «انتخاب ترامپ برای شهردار، اندرو کوومو است. واضح است. اما نه چون برای نیویورکی‌ها خوب است. چون برای خودش خوب است».

• مرحله نخست، استخراج نشانه‌های زبانی: عناصر کلیدی متن شناسایی شدند: «انتخاب ترامپ برای شهردار» نسبت‌دادن است، «واضح است» قطعیت می‌بخشد، «نه برای نیویورکی‌ها» نفی نفع عمومی و «برای خودش خوب است» برجسته‌سازی انگیزه شخصی.

• مرحله دوم، کدگذاری باز: نشانه‌ها به کدهای مفهومی تبدیل شدند: «ارتباط‌سازی استراتژیک»، «نفع‌ستیزی عمومی»، «خودمحورنمایی رقیب»، «ایجاد قطعیت»، «دوگانه‌سازی ما/آنها».

• مرحله سوم، کدگذاری محوری: کدهای اولیه حول سه مقوله اصلی سازمان یافتند: دیگری‌سازی هدفمند، مشروعیت‌زدایی گفتمانی و قطبیت‌سازی اجتماعی.

• مرحله چهارم، مفصل‌بندی نهایی: مقولات به دال‌های مدل پژوهش متصل شدند: دیگری‌سازی ← هویت مقاومتی؛ مشروعیت‌زدایی ← عدالت اقتصادی؛ قطبیت‌سازی ← بسیج دیجیتال.

• تحلیل وارونگی معنایی: ممدانی برجسب «تهدید» از رقیب را به «تهدید برای منافع نخبگان» بازتعریف کرد و حمله را به اتحاد ترامپ - کوومو بازگرداند.

این نمونه نشان می‌دهد یک پست کوتاه چگونه سه لایه اقتصادی، هویتی و عملیاتی را همزمان حمل می‌کند و مسیر تحلیل چهارمرحله‌ای به مدل نهایی پژوهش منتهی شد.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه روش‌شناسی پژوهش (شناسایی نشانه‌ها، تفسیر گفتمانی و مفصل‌بندی، و تبیین الگوی راهبردی) انجام شده است. این رویکرد، بر پایه چارچوب لاکلائو و موفه (۲۰۰۱) و با تلفیق الهیات سیاسی شیعه، پیروزی ممدانی را نه به‌عنوان یک رخداد رفتاری، بلکه به‌عنوان یک مبارزه هژمونیک معنایی در ساختار قدرت

شهری تبیین می‌کند. یافته‌ها از طریق نمونه‌گیری هدفمند و اشباع نظری استخراج شده‌اند و با تثلیث داده‌ها (سخنرانی‌های رسمی، محتوای دیجیتال، اسناد رسمی، و متون رقبا) اعتباربخشی شده‌اند. تحلیل نشان می‌دهد که موفقیت ممدانی حاصل مفصل‌بندی مؤثر سه دال کلیدی (اقتصادی، هویتی، عملیاتی) در تقابل با دیگری‌سازی نخبگان بوده که منجر به تشکیل بلوک اجتماعی جدید و جایگزینی چیرگی هژمونیک وال‌استریت شده است. این فرآیند، در بستر بحران‌های اقتصادی (نابرابری ۴۸ درصدی) و جمعیتی (تغییرات مهاجرتی)، رخ داده و درس‌آموخته‌های عملیاتی برای مدیریت راهبردی در شرایط جنگ ترکیبی ارائه می‌دهد. محدودیت‌های پژوهش (عدم دسترسی به لایه‌های پنهان قدرت و تمرکز بر مرحله صعود) در تحلیل لحاظ شده و یافته‌ها تنها قابلیت انتقال تحلیلی دارند. کمپین ممدانی از یک نامزد ناشناخته (با کمتر از ۵ درصد شناخت عمومی در اکتبر ۲۰۲۴) به برنده با ۵۰/۴ درصد آرا (۱,۰۳۶,۰۵۱ رأی) تبدیل شد، با نرخ مشارکت بی‌سابقه ۷۳ درصد در محله‌های مهاجرنشین. پیروزی او در برابر اندرو کوومو<sup>۹</sup> (مستقل) و کرتیس سلیوا<sup>۱۰</sup> (جمهوری‌خواه<sup>۱۱</sup>) با اختلاف ۹/۲ درصد، فروپاشی رژیم شهری نخبگان‌محور را اثبات کرد (Betts, 5 November, 2025; Anderson & Zanger, 5 November, 2025).

#### ۴-۱. یافته‌های توصیفی

##### ۴-۱-۱. سخنرانی‌های اصلی: پایه‌گذاری عدالت‌حسینی و اقتصادی

سخنرانی‌های ممدانی، به‌عنوان واحدهای اصلی تحلیل کمپین، همواره نشانه‌های اقتصادی و هویتی را برجسته کرده‌اند. در آغاز کمپین، در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۴، زهران ممدانی، نماینده ایالتی دموکرات سوسیالیست از کوئینز<sup>۱۲</sup>، رسماً نامزدی خود را برای شهرداری نیویورک اعلام کرد. در سخنرانی افتتاحیه، او هویت حاشیه‌ای خود را به سرمایه راهبردی تبدیل کرد: «من نماینده خیابان استاینوی<sup>۱۳</sup> هستم، همان خیابانی که شهردار بلومبرگ<sup>۱۴</sup> پس از ۱۱ سپتامبر مسلمانان را به‌طور غیرقانونی تحت نظر داشت. حالا من برای همان منصبی که آن دپارتمان را ایجاد کرد، نامزد شده‌ام» (Ise Media, 2025).

ممدانی عدالت اقتصادی را به دال مرکزی کمپین خود تبدیل کرد: «آنچه به این رقابت می‌آورد، تمرکز صریح و بی‌امان بر مهم‌ترین دغدغه نیویورکی‌هاست: آنها پول اجاره،

مراقبت از کودک، حمل و نقل یا خرید مواد غذایی ندارند. نیویورکی‌های طبقه کارگر از شهری که خود ساخته‌اند، بیرون رانده می‌شوند» (Guardian Staff, 2025). این گفتمان، زنجیره‌ای از هم‌ترازی اجتماعی و اقتصادی ایجاد کرد که مهاجران، کارگران و جوانان را در برابر نخبگان و وال‌استریت قرار می‌داد و بنیان روایت هویتی و عدالت‌محور کمپین او شد.

در مناظره نهایی کمپین، در ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵، ممدانی اصالت رهبری خود را در برابر کوومو برجسته کرد: «من هرگز مجبور به استعفا در رسوایی نشده‌ام، هرگز بودجه‌ی خدمات درمانی فقرا را قطع نکرده‌ام، هرگز ۱۳ زن را آزار نداده‌ام. من این کارها را نکرده‌ام چون من شما نیستم، آقای کوومو» (Betts, 12 June, 2025). او همچنین تعهدی روشن به قطع کردن همکاری مأموران فدرال مهاجرت و حمایت حقوقی از مهاجران ارائه داد: «من تعهد می‌دهم که هرگونه همکاری پلیس نیویورک با مأموران فدرال مهاجرت را مسدود کنیم و از مهاجرانی که با پرونده‌های اخراج روبه‌رو هستند، حمایت حقوقی کنیم» (Betts, 13 June, 2025). این مواضع، پیوند هویت مهاجرتی با عدالت اجتماعی را تقویت کرد و موجب افزایش اعتماد جوامع حاشیه‌ای شد، به طوری که نرخ مشارکت مسلمانان در انتخابات به ۷۸ درصد رسید (Betts, 5 November, 2025).

در سخنرانی پیروزی خود در ۵ نوامبر ۲۰۲۵، ممدانی دال‌های شناور کمپینش را به سطح جهانی ارتقا داد. او با لحنی کنایه‌آمیز به دونالد ترامپ گفت: «چهار کلمه برایت دارم: بلندتر کن صدا را!» و برای تأکید بر انسجام و مقاومت، بیان کرد: «برای رسیدن به هر یک از ما، باید از همه ما عبور کنی» (Guardian Staff, 2025). او ضمن ارجاع به کربلا و مقاومت حسینی، سیاست‌هایی مانند فریز اجاره و مالیات بر ثروت را به‌عنوان پیروی از عدالت حسینی توجیه کرد (Guardian Staff, 2025). ممدانی امید را نمادین کرد و شعار «هر روز بهتر» را مطرح ساخت و همزمان تیم انتقال قدرت زنان را معرفی کرد. این سخنرانی، با تأکید بر بسیج بیش از ۵۰ هزار داوطلب، پیروزی او را به‌عنوان نقطه عطفی هژمونیک در عرصه سیاسی تبیین نمود (Guardian Staff, 2025).

در کنفرانس خبری پس از پیروزی، در ۵ نوامبر ۲۰۲۵، ممدانی تیم انتقال خود را که تماماً متشکل از زنان بود معرفی کرد: النالیوپولد<sup>۱۵</sup>، ماریا تورس - اسپرینگر<sup>۱۶</sup>، لینا خان<sup>۱۷</sup>،

گریس بونیا<sup>۱۸</sup> و ملانی هارتزوغ<sup>۱۹</sup>. او تصریح کرد: «در ماه‌های آینده، من و تیمم یک شهرداری خواهیم ساخت که قادر به عمل به وعده‌های این کمپین باشد. . . ما دولتی تشکیل خواهیم داد که نیمی توانمند و نیمی دلسوز باشد و با صداقت و تمام‌قد کار کند» (Chatterjee, 6 November, 2025). ممدانی همچنین به مأموران مهاجرت هشدار داد: «پیام من به مأموران مهاجرت و به همه این است که همه به یک استاندارد حقوقی یکسان ارجاع خواهند شد. اگر قانون را نقض کنید، باید پاسخ‌گو باشید» (بتس، ۵ نوامبر ۲۰۲۵). در موضع، دیگری‌سازی با دولت فدرال را برجسته کرده و نماد قدرت زنانه را به‌عنوان بازوی تحقق عدالت معرفی می‌کند. در آخرین گردهمایی پیش از انتخابات، در ۴ نوامبر ۲۰۲۵، ممدانی بر مقاومت در برابر تهدیدات ترامپ تأکید داشت: «وقتش است که در برابر این قلدرها بایستیم» (Reuters, 5 November, 2025). این پیام‌ها، تداوم گفتمان هویتی، مقاومت و عدالت‌محوری کمپین او را به نمایش گذاشت و نقش زنان و جامعه مدنی را در ساختار قدرت شهری برجسته کرد.

#### ۲-۱-۴. محتوای رسانه‌های اجتماعی: بسیج دیجیتال مثل یک بازی جذاب

محتوای دیجیتال ممدانی به‌عنوان بازوی عملیات روانی معکوس عمل می‌کرد و لحن آن ترکیبی از پرانرژی، طنزآمیز و بسیج‌گر بود. در میانه کمپین، استراتژی دیجیتال او توانست با حضور استثنایی در شبکه‌های اجتماعی، نسل Z را به بازیگر اصلی عرصه سیاسی تبدیل کند، به‌طوری که مشارکت و تعامل این گروه به شکل قابل‌توجهی افزایش یافت. در جریان کمپین، حضور دیجیتال ممدانی بسیار برجسته بود و موفق شد با جذب مشارکت گسترده کاربران، نسل جوان را بسیج کند. نرخ تعامل محتواهای او در اینستاگرام<sup>۲۰</sup> ۱۴ برابر بیشتر از کوومو بود و ویدئوهایش در تیک‌تاک<sup>۲۱</sup> به حدود ۱۲ میلیون بازدید رسید (Ise Media, 2025). این ارقام نشان می‌دهد که استراتژی دیجیتال ممدانی، به‌ویژه استفاده از محتوای پرانرژی و طنزآمیز، توانست مخاطبان نسل Z را به بازیگران فعال کمپین تبدیل کند.

در کمپین ممدانی، فعالیت‌های دیجیتال و رویدادهای محلی نقش مهمی در بسیج جوانان و جوامع حاشیه‌ای داشتند. محتوای «شیرجه اجاره‌بها» که نماد فریز اجاره بود، حدود ۲ میلیون بازدید در تیک‌تاک کسب کرد و توجه گسترده‌ای را جلب کرد؛ رویداد

«ماراتن ۵ محله» که به‌عنوان اولین کمپین یک‌روزه در پنج محله برگزار شد، مشارکت محلی را افزایش داد و پیوند اجتماعی میان شهروندان و کمپین تقویت شد. همچنین، «شکار گنج شهری<sup>۲۲</sup>» با ۲ میلیون بازدید، لحن بازیگوش و جذاب برای جوانان ایجاد کرد و تعامل مخاطبان نسل Z را افزایش داد. جنبش مردمی «دختران باحال حامی زهران<sup>۲۳</sup>» نیز با برگزاری مهمانی هالووین<sup>۲۴</sup> و محتوای جذاب و بازیگوش، عصر جدیدی از کمپین‌های سیاسی را معرفی کرد که هدف آن جذب جوانان و افزایش مشارکت اجتماعی بود و حتی کوومو آن را کپی کرد (Ise Media, 2025). این شاخص‌ها، نشان‌دهنده موفقیت کمپین ممدانی در تلفیق رویکرد دیجیتال و محلی برای بسیج مؤثر مخاطبان هدف بودند.

زهران ممدانی در پاسخ به پرسشی درباره تأثیر ایستادگی امام حسین (ع) در روز عاشورا بر فعالیت‌هایش در مقابله با بی‌عدالتی و نابرابری گفت: «قطعاً. این همیشه برای من یادآور آن است که ایستادن در راه عدالت و برای آنچه درست است، اغلب به معنای انجام کاری دشوار است. ایمان و یقین امام حسین (ع)، با وجود تمام سختی‌ها و موانع، الهام‌بخش من بسیاری از ما است تا بدانیم هر یک از ما چه جایگاهی در مسیر عدالت داریم» (Hassan, 11 June, 2025). ممدانی، به‌عنوان جوان‌ترین شهردار نیویورک طی یک قرن گذشته و نخستین مسلمان در این مقام، کلید شهری را در دست گرفت که قلب مالی آمریکا را تشکیل می‌دهد. این موقعیت، هم نمادی از قدرت نسل جوان و تازه‌نفس در عرصه سیاست شهری است و هم نشان‌دهنده پیوند هویتی او با میراث مقاومت حسینی؛ پیوندی که گفتمان عدالت‌محور و مبارزه با نابرابری را در کمپین و مدیریت شهری او تقویت می‌کند.

### ۳-۱-۴. برنامه‌ها و بیانیه‌های رسمی: وعده‌های عملی مثل زندگی روزمره

وعده‌های اقتصادی ممدانی نقش محوری در کمپین او داشت. از جمله مهم‌ترین آنها، فریز اجاره برای تمام آپارتمان‌های اجاره‌نشین با نرخ تثبیت‌شده بود: «او سوگند خورده اجاره تمامی آپارتمان‌های اجاره‌نشین با نرخ تثبیت‌شده را در سراسر دوره کاری خود ثابت نگه دارد» (Schneid, 2025). این وعده، با عدالت حسینی نماد مقاومت در برابر ظلم مالکان همسو شده بود. سایر برنامه‌ها شامل ساخت ۲۰۰ هزار واحد مسکونی طی ده سال،

پیگیری شکایات ۳۱۱ علیه مالکان بد و ایجاد دفتر سرقت سند بود، که پیوند هویت حاشیه‌ای با اقتصاد بازتوزیعی را نمایان می‌کرد. برنامه‌های رفاهی دیگر، مانند مراقبت کودک رایگان، اتوبوس‌های رایگان و فروشگاه‌های مواد غذایی شهری، نشان‌دهنده دیگری‌سازی با سیستم بازارمحور وال‌استریت بود (Madad, 2025). این پیوند هویت و اقتصاد در بیانیه آغاز کمپین نیز آشکار شد؛ جایی که او بر تبعیض علیه مسلمانان و عدالت اقتصادی تأکید کرد. در سخنرانی پیروزی، ممدانی گفت: «نیویورک شهری از مهاجران است. . . ما عدالت را برای همه می‌خواهیم» (Betts, 5 November, 2025). این مورد مفصل‌بندی آشکار هویت شیعی با عدالت اقتصادی بود.

از منظر مدیریت راهبردی، کمپین او توانست ۵۰ هزار داوطلب را بسیج کند، بیش از ۲ میلیون درب‌زنی انجام دهد و بزرگ‌ترین عملیات میدانی تاریخ شهر را راه‌اندازی کند. کمک‌های خرد مالی، با میانگین ۷۳/۷۱ دلار از ۵۴,۱۷۸ هزار اهداکننده و کل بودجه ۱۲/۹۵ میلیون دلار، استقلال مالی از نخبگان و قدرت‌گیری مردمی را برجسته کرد (Ise Media, 2025). این ساختار، الگویی مشابه مدل «اقیانوس آبی» ایجاد کرد و انحصار نخبگان را در رقابت سیاسی شکست.

#### ۴-۱-۴. متون رقبا و منتقدان: حملات و پاسخ‌ها مثل یک داستان هیجانی

حملات علیه ممدانی از دو محور متفاوت اما هم‌پوشان انجام شد. ترامپ ابتدا او را تهدیدی برای منافع نیویورک تصویر کرد و با برچسب‌هایی چون «سوسیالیست/ کمونیست<sup>۲۵</sup>» تلاش کرد سیاست‌های او را نامشروع و بیرون از چارچوب ارزش‌های آمریکایی نشان دهد (Altus, 2025). این حملات خیلی زود از نقد سیاسی عبور کرد و به سطح امنیتی و هویتی رسید؛ ممدانی نه یک رقیب، بلکه یک «خطر درونی» معرفی می‌شد؛ چارچوبی که هدفش حذف نمادین بود نه رقابت سیاسی.

کوومو مسیر دیگری را رفت. او از دوقطبی امنیتی فاصله گرفت و ممدانی را «بی‌تجربه»، «پرریسک» و «فاقد کارنامه» خواند (Betts, 12 June, 2025). هم‌زمان، تصویرسازی‌های القایی با تم اسلام‌هراسی نیز در حاشیه همین حملات به کار گرفته شد. جریان‌های رسانه‌ای همسو نیز او را در قالب «چپ افراطی و نامنطبق با منافع ملی»

صورت‌بندی کردند (Ise Media, 2025). در همه این حملات، هدف نه نقد عملکرد، بلکه تخریب هویتی و جایگاه اجتماعی او بود. اما ممدانی مسیر متفاوتی انتخاب کرد، پاسخ را از دفاع به وارونه‌سازی برد. او با بازتعریف میدان بازی، حمله را به سرچشمه قدرت یعنی ترامپ بازگرداند: «انتخاب ترامپ برای شهردار، کوومو است؛ نه برای مردم، برای خودش» (ممدانی، ۲۳ اکتبر ۲۰۲۵). سپس مستقیماً کوومو را هدف گرفت «من هرگز مجبور به استعفاء در رسوایی نشده‌ام، هرگز بودجه درمان فقرا را قطع نکرده‌ام، و هرگز ۱۳ زن را آزار نداده‌ام، چون من شما نیستم آقای کوومو» (Betts, 12 June, 2025). او با این جابه‌جایی، نقشی را که به او نسبت داده شده بود پس زد و جای «تهدید» را با «مدافع مردم» را عوض کرد. نتیجه روشن بود، رقابت از زمین هویت و امنیت به عرصه اخلاق، کارنامه و عدالت اجتماعی منتقل شد؛ جایی که حمله‌کنندگان آماده نبرد در آن نبودند.

#### ۲-۴. تجزیه و تحلیل یافته‌ها

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد پیروزی زهران ممدانی حاصل یک مدل مدیریت راهبردی گفتمان‌محور بود که سه قلمرو اقتصاد، هویت و عملیات رسانه‌ای را در چارچوبی منسجم به نام «بلوک اجتماعی ضد هژمونیک» سازماندهی کرد. این موفقیت تصادفی نبود؛ بلکه محصول یک نقشه استراتژیک با پنج خروجی مشخص بود.

- فروپاشی انحصار گفتمان‌سازی نخبگان؛
- تبدیل هویت حاشیه‌ای به قدرت هژمونیک؛
- بازتعریف منطق بسیج سیاسی با ابزار دیجیتال؛
- جایگزینی نظم قدرت شهری، از وال‌استریت به خیابان؛
- ایجاد الگویی عملیاتی برای مدیریت بحران‌های هویتی و اقتصادی در شرایط پرتنش.

این مدل، با ترکیب رویکرد منابع‌محور (Liu, Kim & Yoo, 2019, p. 52) و نظریه هژمونی لاکلائو و موفه (۲۰۰۱)، روند پیروزی ممدانی را در انتخابات شهرداری نیویورک توضیح می‌دهد. درس‌آموخته این تجربه برای کنشگران نوظهور روشن است: تمرکز بر عدالت بازتوزیعی، مقاومت نمادین و بسیج مردمی، بدون وابستگی به نخبگان مالی،

می‌تواند هژمونی‌های دیرپا را به چالش بکشد و قدرت سیاسی را از دل جامعه بیرون کشد.

#### ۱-۲-۴. بازمهندسی میدان سیاسی با دال‌های سه‌گانه

بر اساس شکل شماره (۲)، ممدانی توانست سه دال کلیدی را در یک زنجیره هم‌ارزی ترکیب کند و استراتژی اقیانوس آبی (Pilkington, 2025) را عملیاتی نماید. به‌جای رقابت مستقیم در «فضای قرمز» نخبگان، او یک فضای آبی جدید با منابع ناملموس خلق کرد. این رویکرد، همان‌طور که در جدول شماره (۴) نشان داده شده است، منابع سنتی مالی را با منابع معنایی (هویتی و دیجیتال) جایگزین کرد و مزیت رقابتی پایدار برای کمپین فراهم آورد.

جدول (۴): مفصل‌بندی دال‌های سه‌گانه در مدل گفتمان‌محور ممدانی

دال راهبردی	کارکرد سیاسی	ابزار اجرا	خروجی قدرت‌آفرین
عدالت اقتصادی	تبدیل نارضایتی معیشتی به مطالبه سیاسی	فریز اجاره، مالیات بر ثروت، مسکن ۲۰۰ هزار واحدی، مراقبت کودک رایگان	شکل‌گیری پایگاه طبقاتی پایدار و خنثی‌سازی انحصار وال‌استریت
هویت حسینی - مهاجرتی	مشروعیت اخلاقی + بازتعریف مظلوم/ظالم	استعاره کربلا، روایت تبعیض پس از ۱۱ سپتامبر، تعهد حمایت حقوقی مهاجران	تولید سرمایه نمادین و هم‌دلی جمعی، تبدیل حاشیه به مرکز قدرت
بسیج دیجیتال	تبدیل پیام به کنش و مقیاس‌پذیری سیاسی	فضای مجازی (تیک تاک، اینستاگرام، ایکس ۲۶ و...) و ارتش ۵۰ هزار داوطلب	تبدیل توجه به رأی، عملیات میدانی ۲ میلیون درب‌زنی

منبع: یافته‌های تحقیق

در نتیجه، «رأی اعتراضی» به «رأی هویت‌محور» و «هویت حاشیه‌ای» به یک «رهیافت هژمونیک قابل حکومت» تبدیل شد. این گذار نشان‌دهنده عبور از مدل سنتی «ماشین رشد» (Logan & Molotch, 1987, pp. 50-98) به یک مدل «عدالت‌محور» است، که در آن هویت و ارزش‌های اجتماعی به هسته تصمیم‌گیری و قدرت سیاسی بدل می‌شوند.

## ۲-۲-۴. شکاف‌سازی اجتماعی هدفمند و دقیق

بر اساس الگوی شکاف جنسیتی - نسلی (شکل شماره (۱)؛ (Burn-Murdoch, 2023)، کمپین ممدانی با استراتژی دقیق و هدفمند، همزمان سه شکاف کلیدی را فعال کرد: نسلی، جنسیتی و هویتی (جدول شماره (۵)). این شکاف‌سازی تصادفی نبود؛ بلکه با محاسبه دقیق پذیرش گفتمانی گروه‌های هدف و بهره‌گیری از بحران‌های ساختاری مانند نابرابری ۴۸ درصدی (Cagé, 2024, pp. 283-289)، به‌عنوان اهرم، طراحی شده بود.

### جدول (۵): استراتژی بهره‌برداری از شکاف‌های اجتماعی در کمپین ممدانی

گروه هدف	پیام محوری	تاکتیک	نتیجه
جوانان ۱۸ تا ۳۰ سال (نسل Z و هزاره‌ای‌ها)	شهر مال شماست نه وال‌استریت	بازی‌سازی محتوا (شیرجه اجاره‌بها، جستجوی شهری با ۲ میلیون بازدید)، ترند در تیک‌تاک	۱۲ میلیون بازدید، ۱۴ برابر نرخ تعامل نسبت به کوومو، تبدیل شکاف نسلی به نیروی محرک
زنان	قدرت با مراقبت، نه سرکوب	نمادپردازی زنانه (تیم انتقال تماماً زنانه)، روایت شهر برابر	افزایش شدید مشارکت زنان شهری، بهره‌برداری از گرایش عدالت‌محور زنان جوان
مهاجران و جوامع حاشیه‌ای	عدالت یعنی دیده‌شدن	روایت تبعیض، بلوک‌بندی هویتی (تعهد قطع همکاری با مأموران فدرال مهاجرت)	مشارکت ۷۸ درصد جامعه مسلمانان، ۷۳ درصد در محله‌های مهاجرنشین، انسجام گروه اقلیت‌ها

منبع: یافته‌های تحقیق

نتیجه استراتژیک این بود که شکاف‌ها به «پاره‌سنگ گسل اجتماعی» تبدیل نشدند، بلکه به «اکسیژن بسیج سیاسی» بدل شدند. این رویکرد الگویی روشن برای کنشگران جوان فراهم می‌کند تا نشان دهد چگونه می‌توان شکاف‌های موجود را به فرصت‌های بسیج و تغییر اجتماعی تبدیل کرد.

### ۳-۲-۴. مدل مدیریت راهبردی قدرت: از منبع محوری تا معنامحوری

کمپین از منطق سنتی «منابع مالی = پیروزی» به منطق «منابع معنایی = قدرت سیاسی» تغییر مسیر داد و مدل نخبگان سالاری (Maloy, 2023) را فروپاشاند. این گذار (جدول شماره ۶))، با تمرکز بر منابع ناملموس (سرمایه نمادین، شبکه‌های داوطلبانه)، مزیت پایدار ایجاد کرد.

**جدول (۶): مقایسه مدل سنتی قدرت (نخبگان محور) با مدل ممدانی (معنامحور)**

مدل سنتی قدرت	مدل ممدانی
پول ← رسانه ← مخاطب	معنا ← شبکه ← کنش
کنترل از بالا	سازمان‌دهی از پایین
انحصار پیام	مشارکت در پیام
مخاطب منفعل	کنشگر داوطلب

منبع: یافته‌های تحقیق

شواهد کلیدی: ۳۱ درصد کمک‌ها خرد بودند (میانگین ۷۴ دلار از ۵۴ هزار اهداکننده)، ۵۰ هزار نیروی داوطلب شبکه‌ای فعال، و ۲ میلیون درب‌زنی مستقیم، همه بدون وابستگی به کمیته‌های اقدام سیاسی، لابی‌گران یا سرمایه‌وال‌استریت. بودجه کمپین ۱۲/۹۵ میلیون دلار بود در برابر بیش از ۵۰ میلیون دلار رقیب.

در واقع او «بودجه کمتر» نداشت، منبع قدرت متفاوت داشت؛ الگویی که نشان می‌دهد چگونه کنشگران با منابع محدود، از طریق معنا و شبکه، قدرت‌های بزرگ را شکست دهند.

### ۴-۲-۴. تولید یک الگوی سیاسی جدید برای نسل جدید: سیاست بدون واسطه، بدون نخبگان

ممدانی سه قاعده تازه در سیاست شهری تثبیت کرد (جدول شماره ۷))، و از یک کنشگر سیاسی صرف، به الگوی نسلی بدل شد؛ الگویی که جوانان و جوامع حاشیه‌ای می‌توانند آن را تکثیر و اجرا کنند.

**جدول (۷): قواعد نوین سیاست‌ورزی در الگوی ممدانی**

قاعده قدیمی	قاعده جدید
سیاست از بالا به پایین	سیاست از پایین به بالا

قاعده قدیمی	قاعده جدید
حزب بالاتر از جامعه	مشروعیت اخلاقی بالاتر از مشروعیت حزبی
رسانه، مردم را نمایندگی می‌کند	مردم، رسانه هستند

منبع: یافته‌های تحقیق

این الگو، با تأکید بر بسیج داوطلب‌محور و محتوای مشارکتی، نشان داد که نسل نو توانست بدون واسطه نخبگان، قدرت را بازتعریف کند و عدالت را در ساختارهای شهری پیاده کند. در این چارچوب، محتوای رسانه‌های اجتماعی کمپین‌مدانی نقش کلیدی داشت و بسیج دیجیتال را مثل یک بازی جذاب و تعاملی طراحی کرد. برای نمونه، ممدانی در پاسخ به پرسشی درباره تأثیر ایستادگی امام حسین (ع) در روز عاشورا بر فعالیت‌هایش گفت: «قطعاً. این همیشه برای من یادآور آن است که ایستادن در راه عدالت و برای آنچه درست است، اغلب به معنای انجام کاری دشوار است. ایمان و یقین امام حسین، با وجود تمام سختی‌ها و موانع، الهام‌بخش بسیاری از ما است تا بدانیم هر یک از ما چه جایگاهی در مسیر عدالت داریم» (Hasan, 2025). این ارجاع، فلسفه امام حسین (ع) را که بر مقاومت بی‌امان در برابر ظلم، فداکاری برای حقیقت و عدالت و الهام‌بخشی برای نسل‌ها استوار است، به هسته بسیج دیجیتال تبدیل کرد. در محتوای ممدانی، این فلسفه به شکل نمادین و بازی‌وار (ویدیوهای تعاملی، ترندهای طنزآمیز) بازتولید شد تا نسل Z نه تنها جذب شود، بلکه به کنشگران فعال علیه نابرابری تبدیل گردد. این رویکرد، میراث فداکاری حسینی را به ابزار پیروزی بر ستم بدل کرده و تأثیر آن بر فعالان مدرن، مانند مبارزان حقوق مدنی، را برجسته می‌سازد.

#### ۴-۲-۵. استراتژی ضدحملات

در برابر حملات چندلایه ترامپ و کوومو، ممدانی دفاع را به عملیات روانی معکوس تبدیل کرد و هر تهدید را به سوخت گفتمان خود بدل نمود (Newth, Brown & Mondon, 2025, pp. 814-837). در جدول شماره (۸) این راهبرد به اختصار بررسی شده است.

### جدول (۸): استراتژی مدیریت ضدحملات و عملیات روانی معکوس

نوع حمله	هدف حمله‌کننده	پاسخ ممدانی	نتیجه
برچسب کمونیسم/افراطی‌گری	حذف مشروعیت	بازگشت حمله به کارنامه کوومو («من شما نیستم»)	انتقال زمین بازی از ایدئولوژی به عملکرد، افزایش اعتماد عمومی
اسلام‌هراسی ضمنی	ایجاد شکاف هویتی	بازنمایی هویت به «سرمایه اخلاقی» (ارجاع به مقاومت حسینی)	افزایش محبوبیت در بلوک‌های اقلیت، نرخ مشارکت ۷۸ درصدی مسلمانان
بی‌تجربگی	عدم صلاحیت اجرایی	تاکتیک «شما بودید که خراب کردید» (برجسته‌سازی رسوایی‌ها)	تثبیت روایت تغییر، تبدیل حمله به انسجام بلوک جدید

منبع: یافته‌های تحقیق

اصل حاکم ممدانی این بود که هر حمله را از تهدید به سوخت گفتمان خود تبدیل کند و الگویی برای مدیریت بحران در محیط‌های پر از برچسب‌زنی ایجاد کند.

- ممدانی به‌عنوان الگوی سیاسی نسل جدید

ترکیب نهایی یافته‌ها نشان می‌دهد که ممدانی مولد یک مدل راهبردی قابل تکثیر است، که کنشگران جوان و جوامع با هویت‌های مقاومتی می‌توانند آن را در ساختارهای پرتنش اعمال کنند (شکل شماره ۹).

### جدول (۹): مؤلفه‌های مدل راهبردی ممدانی (الگوی سیاسی نسل جدید)

مؤلفه مدل	شاخص
مشروعیت	اخلاقی - هویتی نه حزبی
قدرت	شبکه‌ای نه متمرکز
بسیج	داوطلب‌محور نه سرمایه‌محور
رسانه	مشارکتی نه انحصاری
ایدئولوژی	عدالت‌محور نه ساختارمحور
دشمن‌سازی	هدفمند و قابل برگشت

منبع: یافته‌های تحقیق

این مدل، قابلیت تعمیم به جنبش‌های فراملی دارد و نشان می‌دهد چگونه نمادهای فرهنگی می‌توانند به ابزارهای راهبردی تبدیل شوند.

### ۳-۴. جمع‌بندی و تفسیر تلفیقی یافته‌ها

در این بخش، با تکیه بر یافته‌های توصیفی و تحلیلی پیش‌گفته، چارچوب نهایی مدل حلقه هژمونیک عدالت‌محور بازسازی و منطق درونی پیروزی ممدانی در قالب یک سیستم خودتقویت‌کننده تبیین می‌شود.

پیروزی ممدانی صرفاً یک «شگفتی انتخاباتی» یا نتیجه شرایط استثنایی نبود. این موفقیت محصول مهندسی دقیق یک مدل قدرت نوین است که در آن معنا بر سرمایه، هویت بر ساختار و اخلاق بر منافع اولویت یافته است. محور این مدل، ایجاد یک «حلقه خودتقویت‌کننده» است؛ جایی که هر دال راهبردی (اقتصادی، هویتی، دیجیتال) نه به صورت مستقل بلکه با بازخورد متقابل، دیگر دال‌ها را تقویت می‌کند. وعده‌های اقتصادی ممدانی، مانند فریز اجاره، تنها برنامه سیاسی نبودند؛ بلکه به نمادی از «عدالت حسینی» تبدیل شدند و مشروعیت اخلاقی - مذهبی او را افزایش دادند. این مشروعیت، بسیج داوطلبانه را تقویت کرد و داوطلبان با تولید محتوای دیجیتال، توجه عمومی را بار دیگر به وعده‌های اقتصادی معطوف ساختند. این چرخه بدون نیاز به سرمایه خارجی، خود را تغذیه کرد و ممدانی را از وابستگی به نخبگان مالی آزاد ساخت.

مقایسه با نمونه‌هایی مانند برنی سندرز<sup>۲۷</sup> در سال ۲۰۱۶ (Dyck, Pearson) و الکساندریا اوکاسیو - کورتز<sup>۲۸</sup> در سال ۲۰۱۸ (Friedman, 2018)، نشان می‌دهد نوآوری ممدانی در تلفیق سه‌گانه دال‌هاست. سندرز با تکیه صرف بر دال اقتصادی و فقدان دال هویتی، در برابر ماشین حزبی دموکرات شکست خورد؛ اوکاسیو - کورتز با ترکیب دال اقتصادی و هویتی توانست یک کرسی کنگره را فتح کند، اما در مقیاس محدود. ممدانی اما، با افزودن دال سوم (بسیج دیجیتال) و اتکا به الهیات سیاسی شیعه به عنوان منبع مشروعیت، توانست هژمونی وال‌استریت را در قلب سرمایه جهانی به چالش بکشد. او هویت مذهبی را در متن سکولار<sup>۲۹</sup> نیویورک، نه محدودیت بلکه سرمایه راهبردی کرد و حملات اسلام‌هراسانه را به موتور بسیج اجتماعی بدل ساخت.

با این حال، مدل ممدانی نقاط آسیب‌پذیری دارد. وابستگی شدید به شخصیت و کاریزمای فردی، ریسک پایداری مدل را افزایش می‌دهد. تحقق نیافتن وعده‌ها یا خروج او از صحنه سیاسی، ممکن است حلقه خودتقویت‌کننده را فروپاشاند؛ چرا که نهاد یا سازمان مستقلی برای تداوم مسیر شکل نگرفته است. انتظارات بلندپروازانه نیز (فریز اجاره، اتوبوس‌های رایگان)، اگر فراتر از ظرفیت واقعی منصب شهرداری باشند، می‌تواند موجب سرخوردگی و فرسایش اعتماد شود. نخبگان مالی پراکنده، در صورت انسجام، با بودجه‌های گسترده می‌توانند «کمپین ضد ممدانی» بسازند و از طریق جنگ رسانه‌ای، پایگاه او را فرسایش دهند. برای تبدیل این جنبش شخصی به نهاد اجتماعی پایدار، مدیریت انتظارات، ایجاد ساختار نهادی مستقل و نوآوری مستمر در محتوای دیجیتال ضروری است.

در نهایت، مدل ممدانی پایه‌گذار الگویی جدید برای نسل Z و کنشگران حاشیه‌ای در سیاست شهری است؛ الگویی که قدرت را از انباشت معنا آغاز می‌کند، نه سرمایه. صندوق رأی تنها پیروزی را تأیید می‌کند، اما تولید آن در گفتمان‌سازی، معنابخشی و بسیج داوطلبانه رخ می‌دهد. این رویکرد، درس‌آموخته‌های عملیاتی ارزشمندی برای مدیریت راهبردی در برابر هژمونی‌های مالی و رسانه‌ای ارائه می‌دهد و قابلیت تعمیم به جبهه‌های مقاومت فرهنگی و اقتصادی، به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران، را دارد. موفقیت ممدانی نشان داد که عدالت‌محوری، همراه با هویت اصیل و بسیج شبکه‌ای، می‌تواند حتی در قلب سرمایه‌داری جهانی، هژمونی‌های دیرپا را متزلزل کند و مسیر جدیدی برای قدرت‌یابی مردم بدون واسطه نخبگان ایجاد نماید.

### **بحث و نتیجه‌گیری**

این پژوهش با هدف پاسخ به یک پرسش نظری بنیادین آغاز شد: چگونه ممکن است کنشگری با هویت حاشیه‌ای و منابع مالی محدود، در چارچوب سرمایه‌داری جهانی، توان غلبه بر نخبگان مالی را پیدا کند؟ پرسش مذکور نه تنها یک ناهنجاری تجربی را نشان می‌دهد، بلکه به بحران فهم در نظریه‌های کلاسیک سیاست و قدرت اشاره دارد؛ زیرا بسیاری از مطالعات پیشین، موفقیت‌های غیرمتعارف را به «شرایط استثنایی» یا «اتفاقات تاریخی» نسبت می‌دهند (Maloy, 2023; Krinsky, 2011, pp. 381-401).

بدون آنکه ساختارها و مکانیسم‌های زیرین را واکاوی کنند. این پژوهش، بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی و داده‌های میدانی، نشان داد که موفقیت کنشگری مانند ممدانی تصادفی نیست؛ بلکه نشانه گذار پارادایمی در منطق قدرت سیاسی است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، تغییر منبع هژمونی از «انباشت سرمایه» به «معماری معنا» است. این تغییر نه به معنای انکار اهمیت سرمایه مادی، بلکه به معنای شرط‌زدایی از آن است؛ در دوره جدید، سرمایه مالی تنها شرط لازم نیست و کفایت سیاسی در توانایی مهندسی گفتمان، بسیج شبکه‌ای و تولید معنای فراگیر نهفته است (Stone, 1989, pp. 10-25; Logan & Molotch, 1987, pp. 50-98). پیروزی ممدانی در انتخابات نوامبر ۲۰۲۵ نماد همین تغییر بود؛ او توانست با تکیه بر فلسفه کربلا و عدالت‌خواهی نه از طریق قدرت نظامی، بلکه از طریق گفتمانی فراگیر، هژمونی سیاسی ایجاد کند (Kadivar, 2023, pp. 3-38).

مدل نظری استخراج‌شده، تحت عنوان «حلقه هژمونیک عدالت‌محور»، چارچوبی تحلیلی برای فهم چرایی هژمونی برخی گفتمان‌ها و حاشیه‌ماندن دیگران ارائه می‌دهد. تحلیل نشان می‌دهد که موفقیت گفتمانی ناشی از توانایی مفصل‌بندی هم‌زمان سه سطح معنا است:

- سطح عقلانی - ابزاری: ارائه وعده‌های اقتصادی ملموس و قابل سنجش که انتظارات ملموس رأی‌دهندگان را پاسخ می‌دهد.
- سطح عاطفی - هویتی: ایجاد تعلق اجتماعی و مشروعیت اخلاقی که هویت فرد و جمع را با گفتمان پیوند می‌دهد.
- سطح عملیاتی - شبکه‌ای: بسیج جمعی و مقیاس‌پذیری گفتمان از طریق شبکه‌های محلی، رسانه‌های اجتماعی و ظرفیت‌های داوطلبانه.

هیچ یک از این سطوح به تنهایی قادر به ایجاد هژمونی نیست؛ اما هم‌زمانی آنها در چرخه بازخورد مثبت، هم‌افزایی تولید می‌کند که می‌تواند ساختارهای مسلط را بی‌ثبات کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که قدرت نه ایستا، بلکه رابطه‌ای و سیال است و در جریان تولید و بازتولید گفتمان ایجاد می‌شود (Sunkara, 2019).

نقش الهیات سیاسی شیعه در این معادله نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. ظرفیت بازنمایی دوگانه عدالت حسینی - هم روایت تاریخی و مذهبی و هم نماد اخلاقی جهان‌شمول - امکان ترجمه‌پذیری معنایی را فراهم می‌کند. شیعیان این گفتمان را بخشی از هویت دینی خود می‌دانند، درحالی‌که غیرمسلمانان آن را به‌عنوان اصل اخلاقی جهان‌شمول درمی‌یابند (Kadivar, 2023, pp. 3-38). این مکانیسم ترجمه، ممدانی را از سایر جنبش‌های اعتراضی متمایز می‌سازد؛ نمونه‌هایی مانند چپ رادیکال غرب فاقد نمادی با چنین بار عاطفی و قابلیت جهانی‌سازی بودند (Friedman, 2018). در نتیجه، الهیات سیاسی نه صرفاً محتوای دینی، بلکه زیرساخت معنایی تولید گفتمان فراگیر بود.

یکی دیگر از نتایج کلیدی، منطق معکوس قدرت در عصر جنگ ترکیبی است. داده‌ها نشان دادند که حملات و برچسب‌های منفی می‌توانند به منبع انسجام بدل شوند. نمونه بارز، برچسب «کمونیست» بود که ترامپ به ممدانی زد؛ این اقدام، به‌جای تضعیف، موجب جذب رأی‌دهندگان مخالف ترامپ شد، پدیده‌ای که در فیزیک اجتماعی تحت عنوان «مقاومت القایی» شناخته می‌شود (Newth, Brown & Mondon, 2025, pp. 814-837). این «اثر بومرنگ» نشان می‌دهد که مخاطبان عصر اطلاعات، نه گیرنده‌های منفعل، بلکه تفسیرکنندگان فعال هستند که به منشأ پیام بیش از محتوای آن واکنش نشان می‌دهند. این وضعیت، مفهوم سنتی «قدرت نرم» را به چالش کشیده و اهمیت مدیریت چارچوب معنایی را برجسته می‌کند (Ise Media, 2025).

رابطه کنشگر و ساختار نیز یکی از پرسش‌های نظری کلیدی بود. یافته‌ها حاکی از تعامل دیالکتیکی میان ساختارهای زمینه‌ای و کنشگری هوشمندانه است. بحران‌های اقتصادی و نابرابری‌های طبقاتی زمینه‌ساز بودند (Cagé, 2024, pp. 283-289)، اما بدون توانایی مفصل‌بندی گفتمان‌ها، تغییر قابل تحقق نبود. ممدانی توانست دال‌های گفتمانی را به‌صورت شبکه‌ای سازماندهی کند، فرآیندی که با نظریه «منابع ناملموس» در مدیریت راهبردی هم‌خوانی دارد (Liu, Kim & Yoo, 2019, p. 52) و با مدل «بازیگر - شبکه» که قدرت را محصول شبکه‌سازی ناهمگن می‌داند، همسو است (Sunkara, 2025).

سهم نظری پژوهش فراتر از توضیح یک رخداد انتخاباتی است؛ این مطالعه مفهوم هژمونی را بازتعریف می‌کند. در نظریه کلاسیک، هژمونی توانایی یک گفتمان برای

نماینده‌گی کل تلقی می‌شد (Laclau, & Mouffe, 2001, pp. 93-148)، اما داده‌ها نشان می‌دهند که در عصر دیجیتال، هژمونی یک فرآیند پویا و شکننده است که با تولید مداوم محتوا، بسیج شبکه‌ای و مدیریت بحران بازتولید می‌شود. این یافته برای جنبش‌های عدالت‌خواه هم فرصت و هم هشدار فراهم می‌کند؛ زیرا پیروزی انتخاباتی آغاز مسیر است، نه پایان آن (Gin, 2021, pp. 270-281; Friedman, 2018).

تحلیل جغرافیای قدرت نیز تغییرات قابل توجهی را نشان می‌دهد. قدرت دیگر در برج‌های وال‌استریت یا اتاق‌های خبر متمرکز نیست، بلکه در شبکه‌های داوطلبانه، روایت‌های مردمی و محتوای تولیدشده توسط کاربران پراکنده شده است (Pilkington, 2025). این غیرمتمرکز شدن هم فرصت و هم چالش است: فرصتی برای عدالت‌خواهان جهت شکل‌دهی گفتمان، و چالشی برای هژمونی‌های مستقر. کنشگرانی که بتوانند معماری معنا را در اختیار گیرند، شبکه‌های اعتماد ایجاد کنند و روایت‌های امید را بازتولید نمایند، در این نظم شبکه‌ای و سیال، برنده خواهند بود.

با وجود عمق تحلیل ارائه‌شده، چند محدودیت مهم پژوهش شایان ذکر است. نخست، تمرکز مطالعه صرفاً بر کمپین انتخاباتی ممدانی بوده و داده‌ها عمدتاً از منابع رسانه‌ای و مشاهدات کیفی حاصل شده‌اند؛ بنابراین، امکان وجود سوگیری‌های گزارشگری و محدودیت‌های نمونه‌ای وجود دارد. دوم، مدل «حلقه هژمونیک عدالت‌محور» بر پایه نظریه‌های کلاسیک و معاصر قدرت و مدیریت راهبردی شکل گرفته و اعتبارسنجی تجربی و کمی آن هنوز انجام نشده است؛ به همین دلیل تعمیم مستقیم آن به کنشگران دیگر یا بسترهای سیاسی متفاوت، از جمله جمهوری اسلامی ایران، مستلزم تحلیل زمینه‌ای و بررسی دقیق شرایط فرهنگی، نهادی و اجتماعی است. سوم، تحلیل گفتمان و مفصل‌بندی لایه‌های معنایی، هرچند ساختاریافته، مبتنی بر تفسیر محقق است و نمی‌تواند تمام پیچیدگی‌های پویا و غیرقابل مشاهده قدرت را ثبت کند. نهایتاً، اثرات بلندمدت حلقه هژمونیک و تداوم موفقیت آن در مرحله حکمرانی هنوز نامشخص است و نیازمند مطالعات طولی و مقایسه‌ای با تجارب دیگر نخبگان عدالت‌خواه و کنشگران اجتماعی است. این محدودیت‌ها ضمن تأکید بر ضرورت احتیاط در تعمیم یافته‌ها، مسیر پژوهشی

آینده را برای بررسی قابلیت تعمیم، پایداری و شرایط زمینه‌ای موفقیت مدل روشن می‌سازند.

### **پیشنهادها**

الف) پیشنهادهای راهبردی

- ایجاد شبکه‌های عدالت‌محور برای مدیریت بحران و جنگ ترکیبی؛ تشکیل «سلول‌های فرماندهی معنایی» در سطوح محلی و ملی جهت تلفیق عدالت بازتوزیعی، هویت ملی - دینی و مقاومت جمعی.
- تدوین استراتژی اقیانوس آبی فرهنگی در فضای مجازی؛ حمایت هدفمند از محتوای عدالت‌محور، طنز انتقادی، روایت‌های امیدآفرین و بازی‌وارسازی پیام‌های ارزشی.
- تبدیل هویت‌های حاشیه‌ای به سرمایه اجتماعی ملی؛ توانمندسازی کنشگران جوان برای مفصل‌بندی هویت‌های محلی، قومی، مذهبی و طبقاتی در چارچوب گفتمان ملی عدالت و مقاومت.
- ایجاد مرکز عملیات روانی معکوس در نهادهای راهبردی؛ رصد و پیش‌بینی الگوهای گفتاری دشمن و تولید پاسخ‌های معنادار با بهره‌گیری از مفاهیم دینی - ارزشی.
- ب) پیشنهادهای کاربردی (برای کنشگران نوظهور و جوامع عدالت‌خواه)
  - تقویت پویای مردمی مبتنی بر سرمایه خرد؛ استقلال از ساختارهای رسمی و افزایش تعلق جمعی.
  - بهره‌گیری از ظرفیت‌های جمعیتی برای افزایش مشارکت عمومی؛ تمرکز بر زنان جوان، دانشجویان و کارآفرینان عدالت‌خواه از طریق پیام‌های مشارکت‌محور.
  - تولید محتوای دیجیتال با گفتمان عدالت و مقاومت اجتماعی؛ بازآفرینی نمادهای فرهنگی و مذهبی مرتبط با عاشورا و ضدفساد در قالب‌های خلاقانه.
  - تشکیل هسته‌های مردمی محلی مبتنی بر شبکه داوطلبان عدالت؛ تقویت «قدرت نرم مردمی» و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پایدار.

این چارچوب راهبردی، پیوند میان الهیات سیاسی شیعه، سرمایه اجتماعی و سواد رسانه‌ای را تقویت کرده و مسیر تبدیل عدالت از مفهوم ارزشی به راهبرد ملی در حکمرانی و امنیت فرهنگی را ترسیم می‌کند.

### پیشنادهای پژوهشی

- مطالعه طولی پایداری مدل ممدانی (۲۰۲۶ - ۲۰۲۹) برای بررسی استمرار حلقه هژمونیک در مرحله حکمرانی.
  - تحلیل تطبیقی با شهرداران عدالت‌محور در سایر شهرها برای شناسایی الگوهای مشترک و شرایط زمینه‌ای موفقیت.
  - بررسی واکنش‌های نخبگان مالی پس از شکست و راهبردهای بازپس‌گیری قدرت.
- مطالعه قابلیت تعمیم مدل به جمهوری اسلامی ایران: امکان مفصل‌بندی سه دال (اقتصادی + هویتی + دیجیتال) در بستر ایران، محدودیت‌ها و فرصت‌ها.

### یادداشت‌ها

1. Zohran Mamdani
2. New York
3. Wall Street
4. Real Estate Board of New York (REBNY)
5. New York City Campaign Finance Board (NCCFB)
6. Laclau & Mouffe
7. Donald Trump
8. Social Democratic
9. Andrew Cuomo
10. Curtis Sliwa
11. Republican
12. Queens
13. Steinway
14. Bloomberg
15. Elana Leopold
16. Maria Torres-Springer
17. Lina Khan
18. Grace Bonilla
19. Melanie Hartzog
20. Instagram
21. TikTok
22. Scavenger Hunt
23. Hot Girls 4 Zohran

24. Halloween
25. Communist
26. X Social Media (Ex Twitter)
27. Bernie Sanders
28. Alexandra Ocasio-Cortez
29. Secular

#### کتابنامه

- Altus, K. (2025, November 5). *Trump calls Miami a 'refuge' for those fleeing NYC 'communism' under new Mamdani leadership*. FOX Business.  
<https://www.foxbusiness.com/media/trump-calls-miami-refuge-those-fleeing-nyc-communism-under-new-mamdani-leadership>
- Anderson, R., & Zanger, J. (2025, November 5). *Zohran Mamdani claims victory in NYC mayor's race, promises "relentless improvement."* CBS New York.  
<https://www.cbsnews.com/newyork/live-updates/nyc-election-results-2025/>
- Betts, A. (2025, June 12). *Democrats vying for mayor of New York City clash in second and final debate*. The Guardian.  
<https://www.theguardian.com/us-news/2025/jun/12/new-york-mayor-debate-cuomo-mamdani>
- Betts, A. (2025, June 13). *Cuomo criticised for controversies and Trump denounced: key takeaways from New York mayoral debate*. The Guardian.  
<https://www.theguardian.com/us-news/2025/jun/13/cuomo-trump-key-takeaways-new-york-mayoral-debate>
- Betts, A. (2025, November 5). *Zohran Mamdani elected mayor of New York on winning night for Democrats*. The Guardian.  
<https://www.theguardian.com/us-news/2025/nov/04/zohran-mamdani-mayor-new-york-city>
- Burn-Murdoch, J. (2023, January 25). *A new global gender divide is emerging: Young men and young women's world views are pulling apart. The consequences could be far-reaching*. Financial Times.  
<https://www.ft.com/content/29fd9b5c-2f35-41bf-9d4c-994db4e12998>
- Cagé, J. (2024). Political inequality: Reasons for optimism? *Oxford Open Economics*. 3 (Supplement\_1). i282–i290.  
<https://doi.org/10.1093/ooec/odad032>
- Chatterjee, N. (2025, November 6). *Mamdani names an all-woman transition team. Here's who they are*. TIME.  
<https://www.time.com/7331596/mamdani-transition-team-women/>
- Dyck, J. J., Pearson-Merkowitz, S., & Coates, M. (2018). Primary distrust: Political distrust and support for the insurgent candidacies of Donald Trump and Bernie Sanders in the 2016 primary. *PS: Political Science & Politics*. 51 (2). 351–357.  
<https://doi.org/10.1017/S1049096517002505>
- Fairclough, N. (2010). *Critical discourse analysis: The critical study of language* (2nd ed.). Routledge.  
<https://doi.org/10.4324/9781315834368>
- Friedman, P. (2018, July 6). *How Ocasio-Cortez used social media to beat Crowley*. LiveWorld.

- <https://www.liveworld.com/2018-social-media-political-wars-how-ocasio-cortez-used-social-media-beat-joe-crowley/>
- Gilbukh, S., & Goldsmith-Pinkham, P. (2024). Heterogeneous real estate agents and the housing cycle. *The Review of Financial Studies*, 37(11), 3431–3489. <https://doi.org/10.1093/rfs/hhae048>
- Gin, W. (2021). *Divided by identity on the left? Partisan spillover and identity politics alignment*. *The Forum*, 19 (2), 253–281. <https://doi.org/10.1515/for-2021-0017>
- Guardian Staff. (2025, November 5). *The full transcript of Zohran Mamdani's victory speech after being elected NYC mayor*. *The Guardian*. <https://www.theguardian.com/us-news/2025/nov/05/zohran-mamdani-victory-speech-transcript>
- Hasan, M. (2025, July 11). *Zohran Mamdani on Imam Husayn, Ashura, Karbala, and fighting oppression, even against the odds* [Instagram reel]. Instagram. <https://www.instagram.com/reel/DL84CwOuCRT/?hl=en>
- IseMedia. (2025, October 27). *Zohran Mamdani's digital campaign strategy*. IseMedia. <https://www.isemediaagency.com/article/zohran-mamdani-digital-campaign-strategy>
- Izaguirre, A., & Colvin, J. (2025, November 5). *Zohran Mamdani wins NYC mayor's race, capping a stunning ascent*. AP News. <https://apnews.com/article/mamdani-cuomo-sliwa-nyc-mayor-af8b9790e7cb4e023d0984a0207cbcca>
- Jarrah, M., Musmar, O., & Al-Quran, G. (2025). Mobilizing Faith: religious inscriptions, vernacular identity, and urban belonging in Jordan. *Social Identities*. <https://doi.org/10.1080/13504630.2025.2553906>
- Kadivar, M. (2023). *An analysis of Shi'ite political thought*. In A. M. Al-Taie (Ed.), *The Hawza and the state: The Shiite Islam, question of authority, women and geopolitics* (pp. 3–38). Amman: Friedrich-Ebert-Stiftung. <https://english.kadivar.com/2023/12/03/an-analysis-of-shiite-political-thought/>
- Krinsky, J. (2011). Neoliberal times: Intersecting temporalities and the neoliberalization of New York City's public-sector labor relations. *Social Science History*, 35 (3), 381–422. <https://doi.org/10.1017/S0145553200011585>
- Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and socialist strategy: Towards a radical democratic politics* (2nd ed.). London: Verso.
- Liu, Y., Kim, J., & Yoo, J. (2019). Intangible resources and internationalization for the innovation performance of Chinese high-tech firms. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 5 (3), 52. <https://doi.org/10.3390/joitmc5030052>
- Logan, J. R., & Molotch, H. L. (1987). *Urban fortunes: The political economy of place*. University of California Press.
- Madad, S. (2025, October 14). Universal, zero-fee childcare is a public health imperative. *Belfer Center for Science and International Affairs*. Retrieved from

<https://www.belfercenter.org/research-analysis/universal-zero-fee-childcare-public-health-imperative>

Maloy, J. S. (2023, October 28). Elite theory. *Encyclopedia Britannica*.

<https://www.britannica.com/topic/elite-theory>

Mamdani, Z. (2025). *Zohran Mamdani on Imam Husayn, Ashura, Karbala, and fighting oppression, even against the odds*. Facebook.

<https://www.facebook.com/watch/?v=1264499501752489>

Mamdani, Z. K. [@ZohranKMamdani]. (2025, October 23). *Donald Trump's pick for Mayor is Andrew Cuomo* [X post]. X.

<https://x.com/ZohranKMamdani/status/1981138744087630048>

Media Smart Citizens. (2025). *World's Media Capital: New York City – The World's Media Capital*.

<https://www.mediasmartcitizens.com/guides/worlds-media-capital>

Newth, G. H., Brown, K., & Mondon, A. (2025). Researching and understanding far-right politics in times of mainstreaming. *The Journal of Race, Ethnicity, and Politics*. 10 (3). 814–837.

<https://doi.org/10.1017/rep.2025.32>

Pilkington, E. (2025, November 6). *How Mamdani built an 'unstoppable force' that won over New York*. The Guardian.

[https://www.theguardian.com/us-news/2025/nov/06/zohran-mamdani-campaign-new-york-democrats?CMP=share\\_btn\\_url](https://www.theguardian.com/us-news/2025/nov/06/zohran-mamdani-campaign-new-york-democrats?CMP=share_btn_url)

Rauf, F. (2025, June 30). *How one city shaped America's economic landscape*. Medium.

[https://www.medium.com/@fawadrauf\\_72375/new-yorks-monopoly-c225a6a98d7d](https://www.medium.com/@fawadrauf_72375/new-yorks-monopoly-c225a6a98d7d)

Reuters. (2025, November 5). *New York City mayor-elect Zohran Mamdani holds a press conference in the Queens borough of New York City*. Reuters.

<https://www.reutersconnect.com/item/new-york-city-mayor-elect-zohran-mamdani-holds-a-press-conference-in-the-queens-borough-of-new-york-city/dGFnOnJldXRlcnMuY29tLDIwMjU6bmV3c21sX1JDMkdRSEFESEtISw>

Schneid, R. (2025, July 2). *How Zohran Mamdani plans to fix New York City's housing crisis*. TIME.

<https://www.time.com/7299525/zohran-mamdani-new-york-city-housing-crisis-plan/>

Stone, C. N. (1989). *Regime politics: Governing Atlanta, 1946–1988*. Lawrence, KS: University Press of Kansas.

Sunkara, B. (2019, June). *Democratic Socialists of America*. Le Monde diplomatique.

<https://mondediplo.com/2019/06/04dsa>

Sunkara, B. (2025, June 10). *Zohran Mamdani can become our generation's Bernie Sanders*. In These Times.

<https://inthesetimes.com/article/zohran-mamdani-bernie-sanders-new-york-mayor>

New York City Campaign Finance Board. (2025a). *Independent Spender Summary – Fix the City, Inc. (2025 election cycle)*. Retrieved from

[https://www.nyccfb.info/VSApps/IndependentSpenderSummary.aspx?as\\_election\\_cycle=2025&cand\\_name=Fix+the+City%2C+Inc&spender\\_id=Z193](https://www.nyccfb.info/VSApps/IndependentSpenderSummary.aspx?as_election_cycle=2025&cand_name=Fix+the+City%2C+Inc&spender_id=Z193).

۳۶ نیشدریت لایبرری  
سال نوزدهم، شماره اول (پیاپی ۴۳)، بهار ۱۴۰۴

New York City Campaign Finance Board. (2025b). *Contribution Totals (-refunds) from individuals for Mamdani, Zohran K: Overall 2025 election cycle*. Retrieved November 9, 2025. from <https://www.nycfb.info/follow-the-money/individual-contributions-toparticipating-2025-candidates?candidate=MamdaniZK>.